

## عوامل فرهنگی اجتماعی انحراف جامعه اسلامی

محمد نظیر عرفانی \*

سید مهدی رضا \*\*

### چکیده

انحراف را می‌توان ناهم‌نوایی با مجموعه هنجارهای معینی تعریف کرد که شمار زیادی از افراد یک اجتماع یا جامعه پذیرفته‌اند. تخطی از هنجارها، طیف وسیعی دارد؛ چنان‌که در سطح کلان جامعه با اتلاف و قصور و بی‌نظمی و لابلایی‌گری تداعی می‌شود و در سطح میانه جامعه به نظامی‌گری و ناامنی و بی‌تخصصی و ناآگاهی تعبیر می‌گردد و در سطح خرد جامعه سر از بیماری و بزه و جرم و گناه در می‌آورد.

در تحقیق حاضر که به روش علمی تحلیلی - توصیفی و جمع‌آوری کتابخانه‌ای صورت گرفته است، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که عوامل فرهنگی اجتماعی انحراف جامعه اسلامی عبارت‌اند از:

محیط ناسالم خانواده و اجتماع و فقر، فرهنگ فاسد و رسانه‌های منحرف‌کننده که راهکارهای مقابله با آنها شامل توجه به نقش خانواده در تربیت، رعایت حقوق اعضای خانواده و نظارت اجتماعی، توجه به عدالت اجتماعی و نهادینه‌سازی فرهنگ اصیل اسلامی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** انحراف، جامعه، فرهنگ، اجتماع، تربیت اجتماعی

\* دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم (گرایش اجتماعی)، جامعه المصطفی العالمیه: mna8181@yahoo.com

\*\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد علوم حدیث، جامعه المصطفی العالمیه

## مقدمه

از جمله عواملی که می‌تواند اثر فراوانی بر رشد انحراف در جامعه اسلامی داشته باشد، عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌باشند، عوامل اجتماعی همچون محیط فاسد و یا خانواده ناسالم در آحاد اعضای جامعه تاثیر گذار می‌باشند، از جنبه فرهنگی نیز مهمترین عاملی که در دوره معاصر موجب انحرافات جوامع اسلامی گردیده، استفاده دشمنان اسلام از عوامل فرهنگی است به تعبیر دیگر همان شیخون فرهنگی که با استفاده از رسانه های گوناگون سمعی و بصری، کتب و مجلات و ... به دنبال به انحراف کشاندن جوامع اسلامی هستند، لهذا با توجه به جایگاه مهم این دسته از عوامل در انحراف جامعه در این تحقیق به بررسی این عوامل و ارائه راهکار در این ارتباط خواهیم پرداخت.

### ۱. عوامل فرهنگی در انحراف

«ابزارهایی که امروزه پیام رسان و سازنده افکار و عقاید انسان ها هستند و در مقیاس جمع و باطل عمل می‌کنند و هر گونه اطلاعات مضر در اختیار تمام مردم قرار می‌دهند رسانه های نوشتاری و در مقیاسی به مراتب گسترده تر رسانه های سمعی و بصری هستند، کتاب، روزنامه، مجله و دیگر اشکال متفاوت آن در زمره رسانه های نوشتاری به شمار می‌آیند و رادیو، تلویزیون، شبکه جهانی اینترنت، سینما، کامپیوتر از رسانه های سمعی و بصری می‌باشند و تردیدی نیست که گروه رسانه های سمعی و بصری گسترده ترین و رایج ترین و پر نفوذترین و درعین حال خطرناک ترین پیام آوران و پیام رسانان در عصر حاضر هستند.<sup>۱</sup> این رسانه ها، با ترویج فرهنگ آلوده خویش از راه اشاعه تفکر مبتذل مادی و نشان دادن مظاهر فریبنده دنیای صنعتی در فرهنگ اصیل اسلامی رخنه کرده تا ارزش ها و باورهای دینی را سست نمایند و اندک اندک ریشه اعتقادات انسان ها را بخشکاند.<sup>۲</sup>»

«و پیامدهای منفی این وسائل ارتباط جمعی منحرف کننده، تزلزل خانواده، افزایش جنایات جنسی، گسترش فحشاء و فساد اخلاقی، آدم کشی مجاز و قربانیان بی گناه، از خود بیگانگی و بیگانه باوری، تخریب عقیده، مدپرستی، انحراف در جهت گیری سیاسی، مصرف زدگی، رکود فعالیت ها و غیره می‌باشند.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> طباطبایی صادق، طلوع ماهواره و افول فرهنگ، ص ۱۶۸.

<sup>۲</sup> محمدتقی مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص ۱۱.

<sup>۳</sup> محمود مدنی بجنستانی، فساد سلاح تهاجم فرهنگی، ص ۹۲ تا ۱۶۸.

«و اما راه مقابله با این رسانه ها، آگاه کردن مردم از اهداف شوم آنها، ترویج ارزش های معنوی،<sup>۱</sup> ایجاد امکانات تفریحی سالم، اشتغال ذهنی جامعه در مسیر صحیح،<sup>۲</sup> ترویج ارزش های اسلامی در قالب فیلم، نمایشنامه، کتاب، رمان و سایر آثار هنری و ... می باشد.»

**راهکارهای پیشگیری از عوامل فرهنگی انحراف**

### ۱-۱. جلسه های درس و ایجاد مراکز علمی

«تاریخ اسلام و سیره عملی پیامبر (ص) از تلاش های فراوان آن بزرگواران برای ترویج علوم و تعمیق معارف دینی و غیردینی، مانند طب و فلسفه در جامعه شیعی حکایت می کند. برای تبیین و تأکید مطلب، به نمونه ای از عنایت ویژه نبی مکرم اسلام (ص) به این موضوع اشاره می کنیم که علما و دین پژوهان واقعی مورد دعای خاص قرار گرفته اند:»

«اللهم ارحم خلفائی (ثلاث مرآت) قیل یا رسول الله و من خلفائک؟ قال الذین یأتون من بعدی و یروون حدیثی و سنتی و یعلمونها الناس من بعدی؛<sup>۳</sup> خدایا جانشینان من را رحمت کن (این دعا را سه مرتبه تکرار فرمودند) گفته شد ای رسول خدا، جانشینان تو چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی که پس از من می آیند و حدیث و سنت من را بیان می کنند و به مردم پس از من می آموزند.»

### ۱-۲. برگزاری جلسه های گفت و گو و مناظره

«نوپایی دین اسلام در جامعه اسلامی عصر ائمه بستر مناسبی را برای رشد تفکرات و مطرح شدن شبهات متعدد فراهم می کرد. از این رو، آن انوار قدسی لازم می دیدند که در حد امکان سیاست تبیین و پاسخ دهی را در فضای گفت و گوهای دینی و مناظرات کلامی، پیش گیرند. در این زمینه، هم خود آن بزرگواران به برپایی مناظرات متعدد اقدام می کردند و هم شاگردان بسیاری را برای این امر خطیر تربیت می نمودند.»

<sup>۱</sup> محمدتقی، مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، ص ۱۴۴.

<sup>۲</sup> محمود، مدنی بجزستانی، فساد سلاح تهاجم فرهنگی، ص ۳۶۲.

<sup>۳</sup> سیدمحمدصادق حسینی روحانی، *فقه الصادق*، ج ۱۶، ص ۱۷۱، محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸،

«مسئله‌ای که به خوبی در مناظرات امامان گرامی به چشم می‌خورد، حق‌گرایی، حق‌گویی، تسامح نکردن و مصلحت‌اندیشی در میدان دفاع از حریم و کیان اعتقادی دین است. آنان حتی در فضای خصومت هم هرگز در بیان واقعیت و دفاع از حریم اسلام نرمش و تسامح نشان نمی‌دادند. مناظره‌ها و احتجاج‌های کوبنده امام حسین (ع) با معاویه و مزدوران و هواداران او نظیر عمرو عاص، عتبۀ بن ابی‌سفیان، ولید بن عقبه و مغیره بن شعبه شاهد این مدعاست. به هر حال، آن بزرگواران با توجه به نقش گفت‌وگو در تأثیرگذاری و رفع انحرافات از دامن معارف دین، به بهترین شکل از آن بهره برده و روی آن سرمایه‌گذاری جدی کرده‌اند. واضح است که ائمه اطهار به دنبال فرصت تبیین حق و جلوگیری از انحرافات فکری بوده‌اند. از این رو، خیلی از تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کرده‌اند. در این جا به چند مورد اشاره می‌کنیم»:

«در عصر امام صادق (ع) فراهم بودن فضای گفتمان‌های مختلف، سبب پیدایش فرق و مذاهب مختلف شد. بر اثر برخورد فرهنگ و معارف اسلامی با عقاید و آرای فلاسفه و دانش‌مندان یونان، شبهات گوناگونی مطرح گردید. از این رو، امام صادق (ع) برای معرفی اسلام و مبانی تشیع، چندین مناظره با سران و پیروان آن دیدگاه‌ها ترتیب دادند.»

«ابوحنیفه می‌گوید: روزی برای ملاقات به در خانه امام صادق (ع) آمدم. برای ملاقات حضرت، اندکی توقف کردم تا این‌که عده‌ای از مردم کوفه آمدند و اجازه ملاقات خواستند. من هم با آنها داخل خانه شدم. وقتی به حضورشان رسیدم، گفتم: «شایسته است که شما نماینده‌ای برای مردم کوفه بفرستید.» آن‌گاه امام پس از رد تقاضای او از فرصت استفاده کردند و در بحث قیاس، با او به مناظره پرداختند و استدلال‌های محکمی را برای رد آن آوردند.»<sup>۱</sup>

«نیز چنان‌که آورده‌اند، عبدالملک زندیق که مقیم مصر بود با شنیدن نام و آوازه امام صادق □ به قصد مناظره با ایشان رهسپار مدینه شد، ولی در آن هنگام امام با جمعی از اصحاب، برای اجرای مراسم حج در مکه به سر می‌بردند. عبدالملک به مکه آمد. امام را در حال طواف دید. امام نام و کنیه‌اش را پرسید و از او خواست بعد از طواف نزد ایشان بیاید. وی پس از یک‌بار مذاکره کلامی نسبتاً طولانی، ایمان آورد و از امام خواست تا او را در زمره شاگردان خود به شمار آورد. حضرت به هشام بن حکم دستور داد تا او را آموزش دهد. هشام به او تعلیم داد و او در شام و مصر به سمت معلمی انتخاب گردید.»<sup>۲</sup>

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۲۳۱

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۷۲

### ۳-۱. تربیت شاگردان

«از اقدامات معصومان، برای مبارزه با انحراف جامعه و جریانهای انحرافی، پرورش افراد متخصص جهت پاسخگویی به شبهات بوده است.»

«زراره بن اعین» در کوفه مقابل غالیان ایستادگی می‌کرد و وجاهت او سبب کاهش اقبال به غالیان گشت، از این‌رو، آنان سعی در نکوهش زراره و کاستن از وجاهت او نزد امامان داشتند.<sup>۱</sup> دانشمندی از اهالی شام به حضور امام صادق (ع) رسید و درخواست مناظره با ایشان را داشت. امام مناظره را به شاگردان خود موکول کرد. او پس از مناظره با چند نفر، گفت: می‌خواهم در فقه با تو مناظره کنم. امام (ع) فرمود: ای زراره! با او مناظره کن. وقتی مناظره آنان پایان یافت، لیخند رضایت بر چهره امام (ع) نمایان شد.<sup>۲</sup>

«عبدالله بن ابی یعفر» به امام صادق (ع) عرض کرد: من همیشه نمی‌توانم شما را ملاقات کنم و مستقیماً پرسشهای خویش را مطرح نمایم. سؤالاتی که مطرح می‌شود از که بپرسم؟ امام صادق (ع) فرمود: «چرا نزد محمد بن مسلم ثقفی نمی‌روی و از او جواب سؤالهات را نمی‌گیری؟ او از پدرم بهره‌ها برده، سخنها شنیده و یکی از چهره‌های ارزشمند و مورد اعتماد نزد پدر بزرگوارم بوده است.»<sup>۳</sup>

«عبدالرحمن بن حجاج» از وکلای برجسته امام صادق (ع) و دو امام پس از ایشان بود که در دفاع از عقاید شیعه و روشنگری جامعه تشیع نقش مهمی داشته است. او به دستور امام (ع) به مناظره با مخالفان در مدینه می‌پرداخت. امام (ع) به وی فرمود: «كَلِمَةُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ يُرَى فِي رِجَالِ الشَّيْبَعَةِ مِثْلُكَ؛<sup>۴</sup> با اهل شهر سخن بگو؛ به درستی که من دوست دارم در بین مردان شیعه مثل تو را ببینم.»

«شخصیت دیگر، «حسین بن سعید اهوازی»، پرورش یافته مکتب رضوی (ع) است. وی از معدود افرادی است که در جو خفقان حکومت عباسیان، در پی نشر معارف اهل بیت (ع) بود. آثار وی حاکی از مبارزه علمی او با منحرفان است. به عنوان نمونه، برای هدایت غلات کتاب «رد بر غلات» را می‌نویسد.»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> . تاریخ حدیث شیعه، ج ۱، ص ۲۰۰.

<sup>۲</sup> . محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ج ۲، ص ۵۵۵.

<sup>۳</sup> . همان، ج ۱، ص ۳۸۳.

<sup>۴</sup> . محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ص ۱۳۷.

<sup>۵</sup> . انتظار موعود، ص ۱۲۴.

#### ۴-۱. ارائه ضابطه در فهم و تفسیر شریعت

«معصومان(ع) با ضابطه‌مند کردن فهم و تفسیر شریعت، با برخی جریانهای انحرافی به مبارزه پرداختند، به طور نمونه یکی از انحرافات جامعه اسلامی، جریان جعل حدیث بود که ائمه(ع) در کنار معرفی جاعلان حدیث، با بیان معیارها و ضوابطی همچون: مطابقت با قرآن و سنت پیامبر(ص)، سازگاری با عقل و آموزه های اصلی دین و... به شدت با این جریان انحرافی برخورد کردند.»

شیخ کلینی با سند خود از امام صادق (ع) چنین روایت می‌کند: «خَطَبَ النَّبِيُّ بِمَنِي، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ، فَأَنَا قَوْلُهُ، وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ، فَلَمْ أَقُلْهُ؛<sup>۱</sup> پیامبر (ص) در منا سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم! آنچه از جانب من به شما رسیده، اگر موافق قرآن بود، آن را گفته ام و اگر با کتاب خدا مخالف بود، من آن را نگفتم.»

ائمه (ع) و بیش تر از همه امام صادق (ع) بر این معیار جاویدان تأکید کرده و حدیث مخالف قرآن را باطل و بیهوده دانسته‌اند.<sup>۲</sup> همچنین بر اعتبار سنت نبوی تأکید ورزیده و سیره عملی و احادیث پیشین خود را نیز در این راستا قرار داده و از پذیرش حدیث مخالف با این دو میراث گران بها بازداشته‌اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا حَدِيثَنَا إِلَّا مَا وَافَقَ الْقُرْآنَ وَ السُّنَّةَ أَوْ تَجِدُونَ مَعَهُ شَاهِدًا مِنْ أَحَادِيثِنَا الْمَتَّقِمَةِ فَإِنَّ الْمَغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ لَعَنَهُ اللَّهُ، دَسَّ فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي أَحَادِيثَ لَمْ يَحْدِثْ بِهَا أَبِي، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبِّنَا تَعَالَى وَ سُنَّةَ نَبِيِّنَا، فَإِنَّا إِذَا حَدَّثْنَا قُلْنَا: قَالَ اللَّهُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؛<sup>۳</sup> انتساب هیچ حدیثی را به ما نپذیرید، مگر آنچه موافق قرآن و سنت باشد یا شاهد و قرینه ای بر آن از احادیث پیشین ما بیاید؛ زیرا مغیره بن سعید - لعنت خدا بر او باد - احادیثی را در کتابهای یاران پدرم داخل کرد که پدرم آنها را نگفته بود. پس پروا پیشه کنید و انتساب حدیثی را به ما که با گفته خدا و سنت پیامبران مخالف است، نپذیرید، که ما چون حدیث گوئیم، می‌گوئیم: خدا و پیامبر خدا فرمود.»

«پیشوایان شیعه تمسک به سنت پیامبر را از شروط اصلی فقهات دینی دانسته و مخالفت با آن را کفر شمرده اند. از میان انبوه روایاتی که عقل را بهترین هدیه خدا به انسان، معیار ارزش گذاری و نخستین پایه قوام آدمی، پیامبر و حجت درونی و راهبر بشر به سوی حقیقت و مرجع تشخیص و داوری میان حق و باطل دانسته است»، تنها به بیان یک حدیث که حجیت عقل را بیان

<sup>۱</sup> . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹.

<sup>۲</sup> . عبدالهادی مسعودی، نقد و وضع حدیث، ص ۲۳۶.

<sup>۳</sup> . محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ج ۲، ص ۴۸۹.

می‌دارد، می‌پردازیم: امام کاظم (ع) به هشام بن حکم فرمود: «يَا هِشَامُ إِنَّ لَهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَحُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالنَّبِيَّاءُ وَالْأئِمَّةُ ( وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فَالعُقُولُ؛<sup>۱</sup> ای هشام! خدا بر مردم دو حجت دارد؛ حجت بیرونی و حجت درونی؛ اما حجت بیرونی، فرستادگان الهی، پیامبران و امامان هستند و حجت درونی، عقلها.»

### ۵-۱. مبارزه با باورهای نادرست جریانهای انحرافی

«ائمه در موارد متعددی به نفی عقاید و باورهای نادرست جریانهای انحرافی و مبارزه با آنها می‌پرداختند. به طور نمونه، عقایدی که غلات نسبت به ائمه (ع) بیان می‌کردند، از این قرار بود: الف) قائل شدن به الوهیت و خدایی ائمه (ع) و اثبات صفاتی مانند خالقیت و رازقیت برای آنان؛ ب) قائل شدن به نبوت ائمه (ع)؛ ج) اثبات علم غیب ذاتی و مطلق برای ائمه (ع).<sup>۲</sup>»

«از دیگر اعتقادات انحرافی غلات می‌توان این موارد را برشمرد: ۱. حلول؛ ۲. تناسخ؛ ۳. تشبیه؛ ۴. تفویض مطلق؛ ۵. مهدویت برخی افراد؛ ۶. تأویلهای ناروا از آیات قرآن؛ ۷. توجیه احکام و فرایض دینی و...<sup>۳</sup> که ائمه (ع) به شدت در برابر چنین عقایدی موضع‌گیری می‌کردند.»

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ الْعُلُوَّ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ بِالْعُلُوِّ فِي الدِّينِ؛<sup>۴</sup> بر شما باد به دوری از غلو در دین! همانا کسانی که قبل از شما بودند، به این سبب نابود شدند.» آن حضرت در سخن دیگری می‌فرماید: «صِنْفَانِ مِنَ أُمَّتِي لَا نَصِيبَ لَهُمَا فِي الْإِسْلَامِ النَّاصِبُ لِأَهْلِ بَيْتِي حَرْبًا وَ غَالٍ فِي الدِّينِ مَارِقٌ مِنْهُ؛<sup>۵</sup> دو گروه از امت من سهمی از اسلام ندارند؛ کسانی که با اهل بیت من بجنگند و گروهی که در دین، از حد تجاوز نموده و بیرون روند.»

امام صادق (ع) در رد طرفداران «ابوالخطاب» که با تأویل آیه وَ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ فِي الْأَرْضِ إِلَهٌ امام را خدای زمینی می‌دانستند، فرمود: «به خدا سوگند! آن مقدار که اینها عظمت خدا را کوچک کردند، هیچ کس نکرد... به خدا سوگند! اگر به آنچه اهل کوفه درباره من می

<sup>۱</sup> ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۸۶.

<sup>۲</sup> نعمت‌الله صفری فروشانی، غالیان، کاوشی در جریانها و برآیندها تا پایان سده سوم، ص ۱۵۳.

<sup>۳</sup> ناصر رفیعی، درس‌نامه وضع حدیث، ص ۸۹.

<sup>۴</sup> احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۳۴۷.

<sup>۵</sup> محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۲۶.

<sup>۶</sup> زخرف/ ۸۴.

گویند، اقرار کنم، زمین مرا در خود فرو خواهد برد. من جز بنده ای مملوک که بر هیچ سود و زبانی قادر نیستم، نمی باشم.»<sup>۱</sup>

«هنگامی که امام رضا (ع) شنید بعضی افراد درباره حضرت علی (ع) غلو می کنند، بدنش لرزید، عرق از رویش جاری شد و فرمود: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُقُولُ الْكَافِرُونَ عَلَوًّا كَبِيرًا أَوْ لَيْسَ عَلِيٌّ كَانَتْ أَكْلًا فِي الْأَكْلِينَ وَ شَارِبًا فِي الشَّارِبِينَ وَ نَاكِحًا فِي النَّاِكِحِينَ وَ مُحَدِّثًا فِي الْمُحَدِّثِينَ»<sup>۲</sup> منزله است خداوند از آنچه به او شرک می ورزند و منزله است از آنچه ظالمان [و کافران] درباره او می گویند! بلند مرتبه و بزرگ است. آیا علی خورنده ای در میان خورندگان، تناول کننده ای در میان تناول کنندگان، ازدواج کننده ای در میان ازدواج کنندگان و حکایت کننده ای در میان حکایت کنندگان نبود؟» همین سیره را در زندگی سایر معصومان نیز مشاهده می کنیم.»

«امروزه این سیره عملی ائمه، وظیفه ای است بر دوش آحاد جامعه تشیع به ویژه مبلغان و مروّجان دینی تا بر اساس آن امر به معروف و نهی از منکر کرده و هر جا مواجه شدند با باورهای نادرست و رفتار ناشایست، به مبارزه برخاسته و اقدام کنند.»

## ۲. اجتماعی

یکی دیگر از عوامل تأثیر گذار بر انحراف اخلاقی، دوستان انسان هستند. همانطور که انسانهای پاک می توانند سبب هدایت انسانهای گمراه شوند، افراد آلوده هم می توانند سبب آلودگی و گمراهی انسانهای پاک شوند. «افراد گمراه سبب فراموشی یاد خداوند می شوند که در سوره فرقان آیات ۲۷ تا ۲۹ به این نکته اشاره شده است:»

«وَيَوْمَ يَعْزُزُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا، يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا، لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا.»<sup>۳</sup>

«و [به خاطر آور] روزی را که ستمکار دست خود را [از شدت حسرت] به دندان می گزد و می گوید: (ای کاش با رسول [خدا] راهی برگزیده بودم - ای وای بر من، کاش فلان [شخص گمراه] را دوست خود انتخاب نکرده بودم - او مرا از یادآوری [حق] گمراه ساخت بعد از آنکه [یاد حق] به سراغ من آمده بود!) و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است.»

<sup>۱</sup> . محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ج ۲، ص ۵۹۰

<sup>۲</sup> . محمدباقر مجلسی بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار، ج ۲۵، ص ۲۷۶.

<sup>۳</sup> . فرقان / ۲۷ - ۲۹



امام علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه به این مسأله اشاره کرده و فرموده: «مَجَالِسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَنَسَاءٌ لِلْإِيمَانِ؛ نشست و برخاست کردن با مردم هواپرست و غافل از خدا، فراموشی ایمان است»<sup>۱</sup>.

## راهکارهای پیشگیری از انحراف اجتماعی

### ۱-۲. پرهیز دادن شیعیان از مجالست با جریانهای انحرافی

با توجه به افکار خطرناک برخی گروه های منحرف، در مواردی امامان (به شیعیان سفارش می کردند از آنها فاصله بگیرند و حتی برای پیشگیری از انحراف جوانان و کسانی که اعتقادات محکم و راسخی نداشتند، به ایشان توصیه می کردند تا از هرگونه مجالست، همکاری، ارتباطات خانوادگی و ازدواج با آنان بپرهیزند.

«تمام ائمه (از جمله امام باقر،<sup>۲</sup> امام صادق،<sup>۳</sup> امام کاظم،<sup>۴</sup> امام رضا،<sup>۵</sup> امام جواد،<sup>۶</sup> امام هادی<sup>۷</sup> و امام حسن عسکری<sup>۸</sup> غالیانی را که بر ایشان دروغ می بستند، به صراحت و با اسم معرفی می کردند و حتی آنان را با شدت از خود می راندند و پیروان خود را از شنیدن حدیث آنان و حتی معاشرت با ایشان منع می کردند.»<sup>۹</sup>

از جمله امام صادق (ع) در مورد غلات می فرماید: «إِحْذَرُوا عَلَيَّ شَبَابِكُمُ الْغَلَاءَ لَا يَفْسِدُوهُمْ فَإِنَّ الْغَلَاءَ شَرُّ خَلْقِ اللَّهِ يُصَغِّرُونَ عَظْمَةَ اللَّهِ وَ يَدْعُونَ الرَّبُّوبِيَّةَ لِعِبَادِ اللَّهِ وَ اللَّهُ إِنْ الْغَلَاءَ لَشَرٌّ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ»<sup>۱۰</sup> از جوانان خود در برابر غلات مراقبت نمایید که فاسدشان نسازند؛ زیرا

۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۸۶، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ج ۲، ص ۵۹۰

۳. همان، ص ۵۹۱

۴. همان، ص ۵۹۰

۵. همان، ص ۵۹۱

۶. همان، ص ۸۱۰

۷. همان،

۸. همان

۹. نقد و وضع حدیث، ص ۱۹۲.

۱۰. محمدبن حسن طوسی، امالی، ص ۶۵۱

غلات بدترین خلق خدایند؛ عظمت خدا را می کاهند و برای بندگان خدا ادعای ربوبیت دارند. قسم به خدا! غلات بدتر از یهود، نصاری و مجوس هستند.»

«ابی هاشم جعفری می گوید: از امام رضا (ع) در مورد غلات و مفوضه پرسیدم». آن حضرت فرمود: «الْغُلَاءُ كُفَّارٌ وَالْمَفُوضَةُ مُشْرِكُونَ مَنْ جَالَسَهُمْ ... خَرَجَ مِنْ وِلَايَةِ اللَّهِ وَ وِلَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ وِلَايَتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ؛<sup>۱</sup> غالبان کافر و معتقدان به تفویض مشرک اند و هر کس با آنان رابطه و مجالست داشته باشد، از ولایت خدا و رسول و ما اهل بیت خارج می شود.»

«امام حسن عسگری (ع) از واقفیه برائت جست، شیعیان را به برائت از آنان فراخواندند. حضرت در جواب یکی از شیعیان نوشتند: «من از واقفیه بیزارم. با آنان رابطه دوستانه نداشته باشید. به عیادت بیمارانشان نروید، در تشییع جنازه آنان حاضر نشوید و بر میت آنان نماز نخوانید.»<sup>۲</sup>

«در بخشی از توقیعی که به واسطه «محمد بن عثمان»، نایب دوم امام زمان (ع) از طرف ناحیه مقدسه برای «اسحاق بن یعقوب» صادر گردید، آمده است: «ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اجده، پس او و اصحاب او همگی ملعون هستند و تو با آنها که عقیده آنان را دارند، نشست و برخاست مکن؛ زیرا من از آنها بیزارم و پدرانم نیز از آنها بیزار بوده اند»<sup>۳</sup>

## ۲-۲. افشاگری

«امامان معصوم ( در مناسبت‌های مختلف، به افشای ماهیت جریانهای انحرافی پرداخته و خطر آنها را برای جامعه اسلامی گوشزد می فرمودند. توصیف ویژگیهای منافقان توسط پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) در این راستا بوده است. پیامبر (ص) در روایتی فرمود: «إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ وَ أَمَّا الْمُشْرِكُ فَيُخْزِيهِ اللَّهُ بِشِرْكِهِ وَ لَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ عَالِمِ اللِّسَانِ يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ وَ يَعْمَلُ مَا تُنْكِرُونَ»<sup>۴</sup>؛ من برای امتم نه از مؤمن بیم دارم و نه از مشرک؛ زیرا خداوند مؤمن را با ایمانش از آسیب رساندن به دیگران باز می دارد و خداوند مشرک را به سبب شرکش خوار و رسوا می گرداند. آنچه بر شما از آن بیمناکم، منافق است که از زبانش علم می ریزد (و در قلبش کفر و جهل است). چیزهایی می گوید که پسند شما می افتد و (در خفا) کارهایی می کند که ناپسند می دارید.» حضرت در مواقع

<sup>۱</sup> . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۲۸.

<sup>۲</sup> . همان، ج ۵۰، ص ۲۵۷.

<sup>۳</sup> . همان، ج ۵۳، ص ۱۸۱.

<sup>۴</sup> . ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی الغارات، ص ۹۱.

گوناگون، جدی بودن خطر منافقان را هشدار می داد و در مواردی نیز شاهد شدت عمل توسط ایشان هستیم، همچون دستور تخریب مسجد ضرار.

«حضرت علی (ع) در موارد متعددی پرده از چهره منافقان برداشته، ضمن توصیف ایشان، جامعه را نسبت به خطر آنها بیدار می کرد.<sup>۱</sup> حضرت در راستای افشای چهره نفاق «اشعث بن قیس» می فرمود: «عَلَيْكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ اللَّاعِنِينَ حَائِكُ بَنِ حَائِكٍ مُنَافِقُ بَنِ كَافِرٍ...»<sup>۲</sup> لعنت خدا و لعنت کنندگان بر تو باد ای متکبر متکبرزاده! و منافقِ فرزند کافر...»

امام (ع) درباره «کعب الاحبار» یهودی به ظاهر مسلمان شده که از مهم ترین شخصیت‌های گسترش دهنده اسرائیلیات بوده است، می فرمود: «إِنَّهُ لَكَذَّابٌ»<sup>۳</sup> او بسیار دروغگو است. «چنانچه درباره داستان ساختگی او مربوط به حضرت داود (ع)،<sup>۴</sup> فرمود: «هر کسی داستان را چنین نقل کند، من بر او دو حد جاری می کنم: حدی برای اهانت به نبوت و حدی هم برای جسارت به اسلام.»<sup>۵</sup> حضرت در موارد متعددی به افشای ماهیت خوارج پرداخته، آنها را به عنوان بزرگ ترین خطر برای اسلام و جامعه اسلامی معرفی می فرمود و مهم ترین عامل انحراف خوارج را پیروی از هوای نفس و تسلط شیطان بر افکار و روح آنان اعلام کرده است.

«در سیره سایر امامان (ع) نیز این افشاگری ها را می بینیم. امام حسن (ع)، پس از صلح تحمیلی، با صراحت تمام و بدون هیچ ترسی، معاویه را در مجلس خود او، به دلیل اینکه به روش و سنت پیامبر (ص) عمل نمی کرد، خلیفه ندانست.<sup>۶</sup> امام حسین (ع) نیز همین روش را در برابر معاویه پیش گرفت.<sup>۷</sup>»

نمونه دیگر، نامه امام سجاد (ع) به «محمد بن شهاب زهری»، پس از وابستگی او به دستگاه خلافت است.<sup>۸</sup> حضرت با این نامه جریان اقتدار فکری و زمامداری علمی را که به کمک اقتدار

<sup>۱</sup> . محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳، ۱۹۴ و ۱۷۶ و نامه ۲۷.

<sup>۲</sup> . همان، خطبه ۱۹.

<sup>۳</sup> . محمود ابوریه، اضاء علی السنه المحمديه، ص ۱۶۵.

<sup>۴</sup> . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۸۱.

<sup>۵</sup> . فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۷۳۶.

<sup>۶</sup> . حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۳.

<sup>۷</sup> . عبدالهادی مسعودی، نقد و وضع حدیث، ص ۱۹۵.

<sup>۸</sup> . حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷۵.

سیاسی و زمامداری اجتماعی رفته بود، رسوا کرد.<sup>۱</sup> این افشاگری ها در سیره سایر معصومان (ع) نیز مشاهده می گردد.

امام رضا (ع) در روایتی ماهیت حقیقی جریان تصوّف را چنین ترسیم فرموده اند: «کسی قائل به تصوّف نمی شود، مگر از روی خدعه، گمراهی و حماقت.»<sup>۲</sup> در مواردی نیز به افشای نام برخی اشخاص منحرف و سران جریانهای انحرافی اقدام فرموده است. مانند افشای صریح نام برخی واضعان بزرگ و مؤثر، همچون: انس بن مالک، ابوهیریه،<sup>۳</sup> ابن ابی العوجاع، ابو الخطاب و سران غالیان.»

در اینجا این نکته را می توان استفاده کرد که حافظان و نگهبانان دین و فرهنگ نباید از افشای رفتارهای نفاق گونه دیگران واهمه ای داشته باشند و با حفظ شرایط و مصالح، مردم را از رفتارهای منافقان آگاه سازند.

### ۲-۳. نظارت اجتماعی

«نظارت اجتماعی در قالب امر به معروف و نهی از منکر راهکار بسیار مهمی در پیشگیری از انحراف جامعه می باشد امیر مؤمنان علی علیه السلام در روایتی می فرماید:»  
 «مَنْ تَرَكَ إِنكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ؛ هر که کار زشت فرد بدکار را با قلب و زبانش انکار نکرده و نهی نکند، او مرده ای است در بین زندگان.»<sup>۴</sup>

هر که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به جا نیاورد، از دین واقعی برخوردار نیست. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در حدیثی می فرماید:

«لَا دِينَ لِمَنْ لَا يُدِينُ اللَّهُ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ؛<sup>۵</sup> کسی که دین الهی اش را درباره فرمان دادن به نیکی ها و باز داشتنن از زشتی ها، ادا نکند، دین ندارد.»  
 پیامبر گرامی اسلام در روایتی می فرماید:

<sup>۱</sup> سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۲۸.

<sup>۲</sup> شیخ عباس قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۵، ص ۲۰۰.

<sup>۳</sup> محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۲۶۳.

<sup>۴</sup> محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰۴.

<sup>۵</sup> محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸۶.

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ، فَقِيلَ لَهُ وَ مَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ، قَالَ: الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛<sup>۱</sup> خداوند، دشمن می دارد مؤمنی را که دین ندارد، پرسیدند: کدام مؤمن است که دین ندارد؟ فرمود: کسی که بدکار را از کار بدش باز نمی دارد.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ؛<sup>۲</sup> امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق خداوند. پس هر آن که آن دو را یاری کند، خدای او را عزت دهد و هر آن کس که به آن دو بی توجه باشد، خدا او را خوار می گرداند.»

امام صادق می فرماید:

«مَنْ كَانَ لَهُ جَارٌ يَعْمَلُ بِالْمَعَاصِي فَلَمْ يَنْهَهُ فَبِهِ شَرِيكُهُ؛<sup>۳</sup> کسی که همسایه گناهکار دارد و او را از گناهش باز نمی دارد، شریک اوست.»

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا وَ لَمْ يُنْكَرْ مُنْكَرًا قَلْبٌ فَجُعِلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ.<sup>۴</sup>  
اگر کسی معروف را دوست نداشته باشد و منکر را نهی نکند، پایین دستان بر آنها چیره می شوند و آنان را زیر دست می گیرند.

### ۳-۲. اعلام برائت

«انحراف پدید آمده در جامعه اسلامی نیازمند عکس العمل همه جانبه است، بنابراین معصومان(ع) نسبت به این گروه ها و رهبران آنها اعلام انزجار و برائت می کردند. یکی از این فرقه های انحرافی، غالیان بودند که نسبت به پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) و حتی شخصیت های دیگر، اعتقادات اغراق آمیزی پیدا کردند. در باب مبارزه با غلو روایات فراوانی وارد شده که حاکی از تبری جستن معصومان(ع) از غالیان و طرد آنان از خود است.»

«پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «لَا تَرْفَعُونِي فَوْقَ حَقِّي فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ تَعَالَى اتَّخَذَنِي عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَنِي نَبِيًّا؛<sup>۵</sup> مرا بیش از آنچه هستم، بالا نبرید؛ چراکه خدای تعالی پیش از آنکه مرا پیامبر

<sup>۱</sup> محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۸

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup> محمد تویسرکانی، لئالی الاخبار، ج ۵، ص ۲۶

<sup>۴</sup> محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۳۶۷

<sup>۵</sup> محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۳۵.

قرار دهد، بنده قرار داده است.» امیرالمؤمنین علی (ع) نیز می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي بَرِيءٌ مِنَ الْغُلَاةِ كِبْرَاءَةَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مِنَ النَّصَارَى، اللَّهُمَّ اخْذِلْهُمْ أَبَدًا، وَ لَا تَنْصُرْ مِنْهُمْ أَحَدًا!»<sup>۱</sup> بار خدایا! من از غلو کنندگان بیزارم، چنان که عیسی بن مریم از نصاری (به همین دلیل) بیزاری جست. خدایا! آنان را برای همیشه خوار ساز و هیچ کدام از آنها را یاری مفرما.»

امام علی (ع) در آغازین ماه های خلافت خود و پس از ماجرای جنگ جمل، در مورد «حسن بصری» فرمود: «أَمَا إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ سَامِرِيًّا وَ هَذَا سَامِرِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقُولُ لَا مِسَاسَ وَ لَكِنَّهُ يَقُولُ لَا قِتَالَ»<sup>۲</sup> آگاه باشید که هر قوم و امتی یک سامری دارد و این شخص (حسن بصری)، سامری این امت است با این تفاوت که وی نمی گوید: با من تماس مگیرید؛ بلکه می گوید: جنگ و مبارزه نکنید.»

امام صادق (ع) نیز از مغیره و ابوالخطاب اعلام انزجار کرده و آنان را لعنت می فرمود.<sup>۳</sup> حتی در مواردی ائمه (ع) مجبور به صدور فرمان قتل برخی از غالیان شدند. مانند وجوب قتل «علی بن حسکه» و «فارس بن حاتم قزوینی» به دستور امام عسکری (ع) که «جُنید» او را کشت و موارد دیگر.<sup>۴</sup>

مرحوم بزنتلی می گوید: «یکی از اصحاب ما خدمت امام صادق (ع) عرض کرد: در این زمان گروهی ظهور کرده اند که به صوفیه معروف هستند. نظر شما درباره آنان چیست؟ حضرت فرمود: «إِنَّهُمْ أَعْدَاؤُنَا فَمَنْ مَالَ فِيهِمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَ يَحْشُرُ مَعَهُمْ»<sup>۵</sup> آنها دشمنان ما هستند. کسی که به آنان گرایش یابد، از آنها خواهد بود و با آنان محشور خواهد شد.»

«در روایت دیگری بزنتلی و اسماعیل بن یزیع، از امام رضا (ع) نقل می کنند که فرمود: «مَنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةَ وَ لَمْ يَنْكِرْهُمْ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَأَنَّمَا جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ هر کس که نزد او از صوفیه یاد یابد بشود و با زبان و قلبش آنها را انکار نکند، از ما نیست و هر کس آنها را انکار نماید، مانند کسی است که کنار رسول خدا (ص) با کفار جهاد کرده است.»

<sup>۱</sup> . محمد بن حسن طوسی، الأملی، ص ۶۵۱.

<sup>۲</sup> . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲ ص ۲۱۰.

<sup>۳</sup> . همان، ص ۲۸۹.

<sup>۴</sup> . محمد بن عمر کشی، رجال کشی، ج ۲، ص ۸۰۲.

<sup>۵</sup> . میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۳۲۳.

<sup>۶</sup> . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۵، ص ۱۹۸.

فتنه، ریشه بسیاری از بحرانهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حکومتی است و گذر از شرایط فتنه، یک ضرورت قطعی است.

همچنین امام رضا (ع) با غالبان به شدت برخورد می کردند، چنان که از «یونس بن ظبیان» غالی بیزاری جستند و او را لعن فرموده و همراز شیطان دانستند.<sup>۱</sup>

امام هادی (ع) در پاسخ به نامه ای که درباره عقاید «علی بن حسکه» از ایشان سؤال شده بود، چنین نوشتند: «ابن حسکه - که لعنت خدا بر او باد - دروغ می گوید و من او را در ردیف دوستان خود نمی شناسم. خدا او را لعنت کند. سوگند به خدا! پروردگار، رسول خویش و پیامبران پیش از او را جز به آیین حنیف و نماز و زکات و روزه و حج و ولایت نفرستاد و پیامبر، جز به خدای یکتای بی همتا دعوت نکرد. ما جانشینان او نیز بندگان خداییم و به او شرک نمی ورزیم. اگر او را اطاعت کنیم، بر ما رحم خواهد کرد و چنانچه از فرمانش سر برتاییم، گرفتار کیفرش خواهیم شد. من از کسی که چنین سخنانی می گوید، بیزاری می جویم و از چنین گفتاری به خدا پناه می برم. شما نیز از آنان دوری گزینید و ایشان را در فشار و تنگنا قرار دهید و چنانچه به هر یک از آنان دسترسی پیدا کردید، سرشان را با سنگ بشکنید.»<sup>۲</sup>

### ۳. فقر

از جمله عواملی که در بروز رفتار انحرافی و نادیده گرفتن ارزش ها در جامعه، نقش مؤثری داشته و دارد، فقر اقتصادی است. مشکل فقر و تنگدستی، امری نیست که محقق علوم رفتاری و انسانی بتواند در فرایند تبیین معضلات اجتماعی، به آسانی از کنار آن بگذرد. از این رو، از دیرباز اندیشمندان به این مسئله توجه کرده اند؛ تفاوت در میزان فقر و رفاه به عنوان عوامل تأثیرگذار در تنوع میزان جرم است، طرفداران برنامه های بزرگ اجتماعی دولت فدرال در دهه ۱۹۶۰ معتقدند که بهبود فقر به وسیله ارتقای شرایط زندگی افراد و به موجب آن، کاهش مشارکت در فعالیت های مجرمانه در نهایت به کاهش میزان جرم منجر می شود.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۴.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۱۶.

3. Jacob, A. (۲۰۱۱) "Economic Theories of Crime and Delinquency", Journal of Human Behavior in the Social Environment, No. ۲۱(۳), p. ۲۸۳-۲۷۰.

## راهکارهای پیشگیری از فقر

مهم ترین راه های پیشگیری از فقر عبارتند از:

### ۱-۳- صدقه دادن

امام علی علیه السلام می فرماید: اذا أملتكم فتاجروا الله بالصدقه؛ هر گاه تنگدست شدید با دادن صدقه با خدای تعالی سودا کنید<sup>۱</sup> صدقه ای که فقیر می پردازد از دردهایش می کاهد زیرا این کار به او می فهماند که کسانی فقیرتر و ضعیف تر از او نیز هستند. در فرمایش دیگری فرموده- اند: استنزلوا الرزق بالصدقه، روزی را به صدقه دادن فرود آورید<sup>۲</sup> زیرا هر کس مالی را در راه خدا می بخشد هر چند اندک باشد خدای تعالی پاداش او را فراوان خواهد داد.»

### ۲-۳. امانتداری

«امانتداری راه دیگر پیشگیری از فقر است، امانتداری ارزشی حیاتی است که اعتماد متقابل را در جامعه ریشه دار می کند و دارای ارزش اقتصادی نیز هست انسان امانتدار در جامعه محبوب است و همه دوست دارند در کارها با او مشارکت داشته باشند زیرا هیچ گاه به مال و ناموسشان خیانت نمی کند امام علی (ع) می فرماید: اداء الامانه مفتاح الرزق؛ امانتداری کلید روزی است<sup>۳</sup> و نیز می فرماید و الامانه تاجر الرزق و الخيانه تاجر الفقر. امانتداری روزی به دنبال دارد و خیانت مایه فقر و تنگدستی است<sup>۴</sup> به راستی امانتداری کلیه روزی است زیرا هر کس که امانتدار نباشد درهای زندگی به رویش گشوده نمی شود و از همه جا طرد خواهد شد.»

### ۳-۳. پرهیزگاری و استغفار

«انسان با گناهی که مرتکب می شود از روزی محروم می گردد<sup>۵</sup> و انسان تنها با استغفار و توبه می تواند از این بند آزاد گردد. امام علی علیه السلام می فرماید: و خداوند استغفار (آمزش خواستن) را سبب فراوانی روزی قرار داده است.»<sup>۱</sup>

۱. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۵۰

۲. محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۳۲

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۱۸

۴. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۵۵

۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۵۹



### ۴-۳. فروتنی و اخلاق پسندیده

«سعه الاخلاق کیمیاء الارزاق؛ اکسیر روزی در خوش اخلاقی است.<sup>۱</sup> یعنی خویها و خصلتها باعث فراخی روزی گردد و یا به اعتبار این که سبب دوستی مردم گردد به صاحب آن و این که رعایت امانت او کنند و رغبت در معامله با او کنند اگر از اهل معامله باشد.»

### ۵-۳. محکم کاری و درستی کار

«یکی دیگر از اسباب ثروتمندی و کسب روزی محکم کاری و درستی کار است زیرا کالای خوب مشتری را جذب می کند درحالی که کار سطحی و بی دقتی هیچ گاه مشتری پیدا نمی کند و حتی کسی به آن نزدیک نمی شود اگر انسان شهرت خوب کسب کند مورد اعتماد تاجر و مشتری واقع شود امام علی علیه السلام می فرماید: من قصر فی العمل أبتلی بالهم؛ کسی که در عمل کوتاهی کند به اندوه دچار گردد.»<sup>۲</sup>

### ۶-۳. مهاجرت و سفر

«گاهی برای انسان به دلایلی دشوار است که در یک جا کار کند لذا در این صورت باید به جای دیگر برود تا در آنجا گشایش و راحتی ببیند «و من یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراغما کثیرا وسعه» هرکس که در راه خدا مهاجرت کند در روی زمین بر خورداری های بسیار و گشایش خواهد یافت.<sup>۳</sup> همچنین امام علی (ع) در جهت پیشگیری از فقر سفارشهای اخلاقی به فقرا فرمودند که از جمله: قناعت، صبر و تحمل، استقامت و پایداری، عفت و پاکدامنی، نکوهش و مذمت دنیا، توصیه نموده اند.»

### ۴. خانواده

«در درون خانواده به ویژه کودکی و نوجوانی به طور عمده شخصیت آدمی شکل میگیرد، نوع تربیت و رفتار خانواده نقش مستقیم در انحراف فرد و یا رشد وی دارد، به همین جهت بهتر است که والدین از همان ابتدا با کودکان خود گفتگو داشته باشند و به آنها با زبان مهر و نیکوئی خدا شناسی یاد بدهند، همانگونه که هر شب برای نطفات و بهداشت دهان خود مقید به مسواک

<sup>۱</sup> . محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.

<sup>۲</sup> . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۳۹.

<sup>۳</sup> . محمد دشتی، ترجمه نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۱۲.

<sup>۴</sup> . نساء / ۱۰۰.

زدن می باشند. برای بهداشت و تطهیر و تلطیف روح خود نیز خداوند را نیایش کنند و در خلوت خود زمانی را به این امر اختصاص دهند.»

«دوران بلوغ چیزی که والدین باید آن را مورد توجه قرار دهند این است که فرزند خود را با دین آشنا سازند و همراه با آشنایی دین او را در مسیر درست زندگی قرار دهند. البته باید توجه داشته باشند که فرزند آنان تازه به مرحله بلوغ رسیده و توان و استعداد و کشش فکر او محدود می باشد پس نباید در سنینی به آنها سخت گرفت و بیش از حد توانشان از آنها توقع داشت. که در غیر اینصورت خود عامل انحراف کودک و نوجوان خواهد بود»

### راهکارهای پیشگیری از انحراف خانواده

#### ۱-۴. پرورش استعداد دینی

«حسّ مذهبی و چگونگی تلقی کودک از مفاهیم و تعالیم دینی، از سنین دو تا سه سالگی آغاز می گردد. تقلید از پدر و مادر در ادای مراسم مذهبی و سپس علاقه نشان دادن به انجام رفتار دینی، حاکی از وجود استعداد دینی در اوست که باید بطور صحیح هدایت گردد.»

«البته در سنین چهار سالگی، کنجکاوی کودک و میل او به سردرآوردن از اسرار طبیعت و راهیابی به سوی خدا، جلوه می کند و در حدود سنین پنج سالگی علاقه به خدا در او شدید می شود و پرسشهای او بیشتر اوقات در این باره است که خدا چه شکلی دارد؟ کجاست؟ چرا او را نمی بینیم؟ و... از حدود شش سالگی در پی کشف منابع قدرت است و در رابطه با پدر که منبع قدرتی عظیم در خانه است تصور می کند که برای آسمان هم قدرتی و عظمتی باید مطرح باشد که آن خداست.»

«از حدود سنین هشت سالگی به بعد شوقی در کودکان پدید می آید که برای تکامل روانی خود تلاش کنند و جنبه هایی از ابعاد وجودی خویش را که مخفی است، آشکار سازند. تلاش آنان، متوجه ایجاد روابط استوار و جاودان با خداست و این تلاش در سنین دوازده سالگی به صورت عالی متجلی می شود و عشق نیرومندی به خدا پیدا می کنند و حتی عبادت‌های خوبی انجام می دهند. این تلاشها بیشتر اوقات در این زمینه است که هویت خود را به دست آورند و برای جاودانگی خود فکری کنند و زندگی ارزنده ای را برای خود پدید آورند.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> علی قائمی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، ص ۵۴ - ۵۵.

«بر همین اساس است که هدایت و راهنمایی صحیح پدر و مادر در شکوفایی استعداد دینی کودک و پرورش حسّ مذهبی نقش بسزایی دارد و موجب می شود که فرزند این ویژگی را بدست آورد لذا امام سجّاد (ع) در تبیین این وظیفه دینی پدر فرمود: «إِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ»<sup>۱</sup> تو (پدر) در سرپرستی فرزند خود مسؤول هستی که کودک را با ادب و اخلاق پسندیده پرورش دهی و او را به سوی پروردگارش راهنمایی کنی.»

## ۲-۴. ایمان

امام علی (ع) به فرزند خود امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «فرزندم! بدان اگر خدای دیگری بود، هر آینه سفیران و پیامبرانش می آمدند و آثار حکومت و قدرتش را می دیدی و ویژگی و کارهای او را می شناختی ولی او معبود یگانه است، همان گونه که خود را ستوده است. نه ضد دارد و نه کسی است که با حضرتش محاجه کند. آفریننده همه چیز اوست و او والاتر از این است که پروردگارش در دل و دیده ای بگنجد و هرگاه این حقیقت را دانست پس چنان عمل کن که از چون تویی سزاروار است که منزلت اندک و بی مقدار است و توانایی ات کم و نیازت به خداوند عظیم است، پس شایسته است که به دنبال پیروی از او باشی و از عقوبت و خشمش ترسان و نگران باشی که خدا جز به نیکوکاری فرمان نداده و جز از زشتکاری نهی ننموده است.»<sup>۲</sup>

همچنین امام علی (ع) در وصیتی به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: «ولا عباده کالتفکر فی صنعه اللّٰه عزوجل؛<sup>۳</sup> هیچ عبادتی مانند تفکر و اندیشه در کارهای پروردگار نیست.»

## ۳-۴. آموزش عبادات

«یکی از آموزش های لازم به فرزند این است که نمازگزار باشد البته آیات فراوانی بر وجوب نماز دلالت دارد همانند «یا بُنَّیْ أَقِمِ الصَّلَاةَ؛<sup>۴</sup> پسرم نماز را بر پا دار»

<sup>۱</sup> علی بن حسین بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۸۹.

<sup>۲</sup> محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۲۹.

<sup>۳</sup> محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲.

<sup>۴</sup> لقمان/ ۱۷.

زیرا که نماز مهمترین پیوند با خالق است، نماز قلب را بیدار و روح را مصفی و زندگی را روشن می‌سازد. آثار گناه را از جان می‌شوید، نور ایمان را در سرای قلب پرتوافکن می‌دارد و از فحشاء و منکرات باز می‌دارد.<sup>۱</sup>

همچنین حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «به بچه های خود نماز را یاد دهید و در هشت سالگی آنها را وادار کنید به نماز خواندن».<sup>۲</sup>

و نیز آمده است که شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: کسی فرزندش یکی دو روز نماز نمی‌خواند، آیا می‌تواند او را مجبور کند؟ حضرت فرمود: آن پسر چند ساله است، گفت: هشت ساله است، حضرت با تعجب پرسید: سبحان الله (بچه هشت ساله) نماز نمی‌خواند؟! آن مرد گفت: بیماری دارد، حضرت فرمود: هر مقدار که می‌تواند نماز بخواند.<sup>۳</sup>

#### ۴-۴. محبت اهل بیت (علیه السلام)

امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌فرماید: «ادبوا اولادکم علی ثلاث خصال: حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن»؛ فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: محبت پیامبرتان و محبت اهل بیت او و خواندن قرآن»

ابو زبیر مکی نقل می‌کند: «جابر بن عبدالله انصاری را در حالی دیدم که با تکیه بر عصای خود در کوچه های انصار و مجالس آنان (در مدینه) گردش می‌کرد و این جمله را می‌گفت: علی خیر البشر فمن ابی فقد کفر، علی بهترین بشر است و هر کس منکر شود کافر است، سپس می‌گفت: ای گروه انصار: فرزندان خود را بر محبت علی بن ابی طالب (ع) تربیت کنید<sup>۴</sup> محبت علی (ع) ملاک ایمان و کفر است، دوست داشتن او ایمان و کینه و عداوت او کفر است.»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۵۳

<sup>۲</sup> محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۱۳.

<sup>۳</sup> محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۱۳.

<sup>۴</sup> علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۶.

<sup>۵</sup> محمد بن علی بن بابویه قمی شیخ صدوق، امالی ص ۶۸

## ۵-۴. انس با قرآن

امیر مومنان (ع) فرزندش امام حسن (ع) را این چنین به قرآن سفارش کرد: «اللّٰهُ اللّٰهُ فِی الْقُرْآنِ فَلَا یَسْبِقُنْکُمْ اِلٰی الْعِلْمِ بِهٖ غَیْرَکُمْ»؛ خدا را خدا را درباره قرآن، مبدا دیگران در فهم قرآن بر شما پیشی بگیرند.»

آموزش این کتاب آسمانی، از حقوق مسلم فرزندان است که پدران باید از عهده آن برآیند و آنان را با قرآن آشنا سازند بدین معنی که یا خود بشخصه قرآن را به آنان بیاموزند یا برای آنان معلم بگیرند. رسول خدا (ص) فرمود: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلٰی وَالِدِهِ اَنْ یَّحْسِنَ اسْمَهُ ... وَ یُعَلِّمَهُ الْکِتَابَ»؛ حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد.»

امام صادق (ع) فرمود: «عَلِّمُوا اَوْلَادَکُمْ یَسُّ فَاِنَّهَا رِیْحَانَةُ الْقُرْآنِ»؛ به فرزندانتان سوره یس بیاموزید زیرا این سوره، گل (باغ) قرآن است.»

ابو عمر نحوی گوید: روزی غالب، پدر فرزدق شاعر، به همراه فرزندش پس از جنگ جمل در بصره به حضور علی (ع) رسید. به حضرت عرض کرد: فرزندم از شعرای مضر است. به شعرهایش گوش بفرمایید. علی (ع) فرمود: به او قرآن تعلیم ده. این سخن در روح فرزدق موثر افتاد و در زمانی - مناسب - ریسمانی یه پای خود بست و با خود عهد کرد که تا قرآن را حفظ نکند هرگز آن را باز نکند.<sup>۴</sup>

از پیامبر بزرگوار و اهل بیت عصمت - علیهم السّلام - روایات زیادی وارد شده که خداوند در برابر آموزش قرآن به فرزندان عنایت خاصی در روز قیامت به پدران و مادران دارد.

<sup>۱</sup> علی بن حسین بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۹۴.

<sup>۲</sup> علی بن حسام الدین متقی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۱۷.

<sup>۳</sup> محمد بن حسن طوسی، امالی ج ۲، ص ۲۹۰؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۲۵.

<sup>۴</sup> محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۳۰۷.

## نتیجه

عوامل فرهنگی و اجتماعی انحراف شامل محیط ناسالم خانواده و اجتماع و فقر، فرهنگ فاسد و رسانه‌های منحرف‌کننده بود که راهکارهای مقابله با آنها شامل توجه به نقش خانواده در تربیت، رعایت حقوق اعضای خانواده و نظارت اجتماعی، توجه به عدالت اجتماعی و نهادینه‌سازی فرهنگ اصیل اسلامی بود.



## فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن حنبل، احمد، الصحيح مسند احمد بن حنبل، مؤسسه قرطبه، القاهرة، بی تا.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابو ریه، محمود، اضواء علی السنه المحدثه، محمود ابوریه، دارالکتاب، قم، بی تا.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۸. رفیعی، ناصر، درس نامه وضع حدیث، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۹. صادق طباطبائی، طلوع ماهواره و افول فرهنگ، تهران، نشر اطلاعات، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. صالح، صبحی، نهج البلاغه، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا (ع)، شیخ ابی جعفر محمد بن علی الصدوق، مکتبه الحیدریه، قم، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۱۲. طباطبائی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث شیعه، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال (معروف به رجال الکشی)، با تعلیقات میرداماد الأسترآبادی، قم، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مصحح: علی اکبر غفاری، اسلامی، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. مدنی بجستانی، محمود، فساد سلاح تهاجم فرهنگی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸ ق.